

بررسی و نقد تبارشناسی امام مهدی علیه السلام در روایات اهل سنتعلی ربانی گلپایگانی^۱

چکیده

در روایات اسلامی، هویت و شخصیت مهدی موعود علیه السلام که از باورهای مسلم نزد عموم مذاهب اسلامی است؛ دقیق و روشن بیان شده است. او مردی است از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همنام با آن حضرت، علوی، فاطمی و حسینی و نام پدر گرامی اش، «حسن» است.

با این حال، در برخی از روایات، مهدی موعود علیه السلام، از خاندان عباس، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام و نام پدرش، «عبد الله» عنوان شده است. این نوشتار، ضمن بررسی این دسته روایات با روش توصیفی- تحلیلی؛ به این نکته راه یافته که این روایات به دلیل ناسازگاری با روایات معتبر و متواتر و نیز ضعف سند، قابل استناد نیستند. در عین حال، تأویلات و توجیهاتی برای آن‌ها بیان شده است که با فرض صحت این توجیهات، این دسته از روایات با روایات دیگر ناسازگار نخواهد بود. واژگان کلیدی: تبارشناسی، تبار علوی، تبار عباسی، اسمه اسمی، اسم ایبه اسم ایی.

۱. استاد حوزه علمیه قم.

مقدمه

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام، از باورهای مسلم نزد عموم مذاهب اسلامی است. پشتوانه این اعتقاد، احادیث نبوی بسیاری است که بیش از چهل نفر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این روایات را از آن حضرت نقل کرده‌اند (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ص ۵۳-۵۶). شیخ عبدالمحسن العباد، از عالمان وهابی معاصر، بیست و پنج نفر از صحابه‌ای که احادیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام را روایت کرده‌اند و او به آن‌ها دست یافته؛ گزارش کرده است (خسروشاهی، ۱۳۸۶: ص ۹۵-۹۶). بر این اساس، در تواتر روایات مربوط به مهدی موعود علیه السلام تردیدی وجود ندارد؛ چنان که تعداد زیادی از عالمان اهل سنت به این مطلب اذعان کرده‌اند.^۱ اهمیت این مسئله تا حدی است که علمای بسیاری، اعم از شیعه و سنی، در این باره به تالیف جداگانه مبادرت کرده‌اند.^۲

در این باره که مهدی موعود علیه السلام مردی از امت اسلامی و از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ تردید و اختلافی وجود ندارد. به اذعان برخی مهدی پژوهان، این ویژگی در بیش از چهارصد روایت که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده؛ بیان شده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۲۵-۱۳۰ و هیأت العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۸۱-۱۷۸).

در روایات بسیاری نیز که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است؛ به این نکته تصریح شده که مهدی موعود علیه السلام از ذریه فاطمه زهرا علیها السلام^۳ و از نسل امام حسین علیه السلام



۱. به دو منبع پیشین رجوع شود.
 ۲. برخی از نویسندگان، ۲۰۶۶ کتاب را در این باره نام برده‌اند (علی‌اکبر مهدی‌پور، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام در دو جلد).
 ۳. در این جا به تعدادی از منابع اهل سنت اشاره می‌گردد: سنن ابی داود، ۱۴۲۲: ص ۶۷۲، ج ۴۲۸۴؛ سنن ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ص ۱۳۶۸، ج ۴۰۸۶؛ ملاحم ابن المنادی، بی تا: ص ۱۷۹، ج ۱۲۰؛ المعجم الکبیر، بی تا: ج ۲۳، ص ۲۶۷، ج ۵۶۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۵۷۷ و الجامع الصغیر، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۶۷۲، ج ۹۳۴۱؛ با استقرا در منابع روایی ویژگی مزبور در ۴۲۷ روایت بیان شده است؛ (ر.ک: منتخب الاثر، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۴۲-۱۵۳ و معجم احادیث امام المهدی علیه السلام، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۷۸۱).

می‌باشد.^۱ البته در شماری از روایات، مهدی موعود علیه السلام از نسل امام حسن و امام حسین علیهما السلام معرفی شده است (طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۰۵؛ جوینی خراسانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۹۲ و صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۷). دلیل آن، این است که مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بوده است و لذا امام باقر علیه السلام و امامان پس از او تا امام دوازدهم از این جهت به امام مجتبی علیه السلام نیز منتسب می‌باشند.

بر اساس روایات شیعه، مهدی موعود علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است که در نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری ولادت یافت و پس از شهادت پدر گرامی‌اش عهده دار امر امامت گردید. از آن جا که عباسیان و دیگر دشمنان آن حضرت، قصد کشتن ایشان را داشتند، آن حضرت به اذن خداوند دانا، توانا و حکیم از دیدگان، غیر از خواص شیعه، غایب گردید^۲ و غیبت او تا زمانی که خداوند به او اذن ظهور و قیام ندهد، ادامه خواهد یافت. بنابر این، هویت مهدی موعود علیه السلام در روایات به روشنی ترسیم و تبیین شده است. او فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است که از ناحیه اجداد پدر، به امام حسین علیه السلام و از ناحیه جده اش، فاطمه بنت الحسن، به امام حسن مجتبی علیه السلام منتسب می‌باشد. بر این اساس، او از عترت و اهل بیت خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و از ذریه فاطمه زهرا و امیرالمومنین علیهما السلام می‌باشد. با این حال، در پاره‌ای از روایات که از طریق اهل سنت نقل شده، مهدی موعود، از نسل عباس، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی گردیده و در پاره‌ای روایات دیگر، از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام به

۱. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ۱۳۳۹: باب نهم، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ ذخائر العقبی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۰۷؛ فرائد السمطین، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۳۲۵-۳۲۶، ح ۵۷۵. ویژگی مزبور در بیش از ۲۰۰ روایت، بیان شده است. (منتخب الاثر، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۵۸-۱۶۱).

۲. غیبت مهدی موعود علیه السلام، دو مرحله دارد: ۱. غیبت صغرا که در سال ۳۲۹ پایان یافته است. ویژگی بارز این دوره آن است که امام علیه السلام نایبان خاصی داشته است و آن حضرت، از طریق آنان به مسایل دینی شیعیان رسیدگی می‌کرده است و پس از آن، در دوره غیبت کبرا است که فقیهان پارسا و با کفایت به عنوان نواب عام امام علیه السلام به مسایل دینی شیعیان رسیدگی می‌کنند. البته، غیبت امام به این معنا نیست که امام علیه السلام در مکانی جدا از مردم زندگی می‌کند و هیچ گونه ارتباطی با آنان ندارد، بلکه آن حضرت در میان مردم حضور دارد و در مواقع خاص به گونه‌ای که خود مناسب و لازم می‌داند و از جانب خداوند مأذون هستند، در پاره‌ای از امور دخالت می‌کنند. جهت آگاهی بیش‌تر در این باره (ر.ک: جواد جعفری، دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات).

شمار آمده و نام پدرش نیز عبدالله - همنام پدر پیامبر اکرم ﷺ - بیان شده است. از میان عالمان مطرح اهل سنت، کسی به مفاد این دسته از روایات (از نسل عباس بودن مهدی موعود ﷺ) قائل نشده است؛ ولی دو دسته دیگر قائلان و طرفدارانی دارد. پژوهش حاضر این گونه‌های روایی را بررسی و ارزیابی کرده است.

مهدی موعود علوی و فاطمی است، نه عباسی

همان‌گونه که بیان کردیم، در احادیث بسیاری که از حد تواتر فراتر می‌نماید، مهدی موعود به عنوان فردی از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ و از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام معرفی شده است؛ ولی در برخی از روایات اهل سنت، از او به عنوان مردی از نسل عباس بن عبدالمطلب یاد شده است.

۱. بر اساس روایتی از پیامبر اکرم ﷺ، خطاب به عباس:

ان الله ابتداءً بی الإسلام و سیختمه بغلام من ولدک و هو الذی یتقدم لعیسی بن مریم؛ خداوند اسلام را با من آغاز کرد و به جوانی از فرزندان تو پایان خواهد داد. او کسی است که مقدم بر عیسی بن مریم می‌باشد (عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می‌کند) (خطیب بغدادی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۲۳-۳۲۴ و ج ۴، ص ۱۱۷؛ ذهبی، بی‌تا: ج ۱، ص ۸۹ و طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۰۸).

۲. روایت دیگری از پیامبر اکرم ﷺ خطاب به عباس:

منک المهدی فی آخر الزمان، به ینشر الهدی و به تطفأ نیران الضلالت، إن الله فتح بنا الأمر و بذریئک یختم؛ مهدی ﷺ در آخر الزمان از نسل تو است. به وسیله او هدایت منتشر و آتش گمراهی‌ها خاموش می‌شود خداوند اسلام را با ما آغاز کرد و به ذریه تو پایان می‌دهد (طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۰۶ و سیوطی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۲۲، ج ۹۰۴۷).

۳. روایت از عثمان بن عفان، به نقل از پیامبر ﷺ:

المهدی من ولد العباس عمی؛ مهدی از فرزندان عمویم، عباس است (طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۰۶ و مناوی، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۳۴۲).

چند روایت دیگر، با همین مضمون در برخی متون روایی نقل شده است (هیأت العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۹۹-۲۱۴).

درباره این روایات نکاتی چند قابل ذکر است:

الف) این روایات از نظر سند قابل احتجاج نیستند. ابو عبدالله ذهبی درباره روایت اول گفته است: «أفت این روایت محمد بن مخلد عطار است، و شگفت از خطیب بغدادی است که آن را نقل کرده، بدون آن که از ضعفش سخن گفته باشد؛ شاید بدان جهت که چون ضعفش آشکار است. ^۱ جلال الدین سیوطی نیز آن را از «موضوعات» (احادیث ساختگی) دانسته است (سیوطی، بی تا: ج ۱، ص ۴۳۵). برخی دیگر آن را غریب و منکر شمرده‌اند (غماری المغربی، ۱۳۸۰: ص ۵۶۶ و هیأت العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۰۶). روایت دوم در ذخائر العقبی به صورت مرسل نقل شده است (طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۴۰۶).

در سند روایت سوم که مشهورترین روایات در این باره است؛ «محمد بن الولید قرشی» وجود دارد و او تنها فردی است که آن را روایت کرده (هیتمی المکی، ۱۴۲۵: ص ۲۰۶) و کسی است که ابن عدی درباره‌اش معتقد است او جعل حدیث می‌کرده است. ابن الجوزی گفته است:

در رجال این روایت محمد بن ولید ماری است. ابن عدی درباره‌اش گفته است: او جعل حدیث می‌کرد و اسانید و متون را تغییر می‌داد (ذهبی، بی تا: ج ۴، ص ۵۹).

ابن ابی معشر او را «کذاب» نامیده و سمهودی نیز او را «وَضَاع» (حدیث ساز) شمرده است (مناوی، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۳۴۲). اسناد روایات دیگر نیز چنین مشکلی را دارند (هیأت العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۱۲).

ب) این روایات، با روایات فراوانی که از حد تواتر فراتر می‌باشند و در آن‌ها تصریح شده است که مهدی موعود عجل الله فرجه از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نسل امیر المؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد؛ ناسازگارند و روشن است که این روایات؛ به ویژه با نارسایی‌هایی که از حیث سند دارند، با روایات اخیرالذکر تاب مقابله نخواهند داشت. و اگر قابل تأویل نباشند، مردود خواهند بود. سمهودی درباره حدیث «المهدی من ولد العباس عمی» که در «الجامع الصغیر» سیوطی نقل شده؛ چنین گفته است: «روایات قبل و بعد آن؛ که

۱. میزان الاعتدال، بی تا: ج ۱، ص ۸۹، شماره ۳۲۸. عبارت حدیث در میزان الاعتدال چنین است: «سنختم هذا الأمر بغلام من ولدک یا عمّ یصلی بعیسی بن مریم».

گویای این مطلب‌اند که مهدی علیه السلام از ذریه و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ اصح می‌باشند (مناوی، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۳۴۲). شوکانی نیز گفته است: «احادیث دال بر این که مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است، ارجح می‌باشند» (قنوجی البخاری، ۱۳۰۷: ص ۱۳۵ و هیأت‌العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۱۲). شمس‌الدین سفارینی نیز (م/۱۱۸۸ هـ) گفته است:

این اخبار نافی این نمی‌باشند که مهدی از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است؛ زیرا احادیث مبتنی بر این مطلب، اکثر و اصح می‌باشند؛ بلکه برخی از حفاظ امت و برجستگان از ائمه حدیث گفته‌اند این مطلب که مهدی از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است، به صورت متواتر از آن حضرت روایت شده است. لذا برای عدول از آن و توجه به غیر آن، مجوزی وجود ندارد (سفارینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳ و هیأت‌العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۰۵).

(ج) برخی از علما برای این روایات توجیهاتی را ذکر کرده‌اند:

اول. مقصود از انتساب مهدی موعود علیه السلام به عباس، انتساب از جهت مادری است؛ نه از جهت پدری (هیأت‌العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۰۵، ۲۰۶ و ۲۱۲)؛ یعنی چون ام‌الفضل، زوجه عباس، مرضعه جدّ مهدی علیه السلام بوده است؛ ادعای این نکته که مهدی علیه السلام از فرزندان او است، ناروا نمی‌باشد (طبرسی نوری، ۱۳۷۷: ص ۱۹۷).

دوم. مقصود از مهدی در این روایات، مهدی عباسی (سومین خلیفه عباسی) است (هیتمی‌المکی، ۱۴۲۵: ص ۲۰۶). بدیهی است این وجه، با وصف مهدی در این روایات، مبنی بر این‌که وی زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد و این‌که عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا خواهد کرد؛ سازگاری ندارد.

سوم. درباره برخی از این روایات، از ابن عباس که گفته است: «منا المهدی»؛ می‌توان گفت: مقصود وی آن است که مهدی موعود از بنی هاشم است، نه خصوص بنی عباس؛ زیرا در روایات بسیاری از او نقل شده که در برابر بنی امیه و دیگران به هاشمی بودن خود افتخار کرده است (هیأت‌العلمیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۲۱۶).

چهارم. در شماری از روایات تصریح شده است که مهدی موعود علیه السلام از خاندان عباسی نیست؛ بلکه او از خاندان علی علیه السلام است و پس از زوال فرمانروایی عباسیان، قیام خواهد کرد (همان: ص ۲۱۹-۲۲۳).

مهدی علیه السلام از نسل امام حسن، یا امام حسین علیه السلام

همان‌گونه که در آغاز این گفتار بیان گردید، در روایات بسیاری که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، تصریح گردیده که مهدی موعود علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است. البته آن حضرت در شماری از روایات، به امام حسن علیه السلام نیز منسوب گردیده است که این نکته بر انتساب امامان اهل بیت علیهم السلام از امام باقر علیه السلام تا امام دوازدهم به امام حسن علیه السلام از ناحیه مادر مبتنی می‌باشد؛ چرا که مادر امام باقر علیه السلام، دختر امام حسن علیه السلام بوده است. بر اساس این روایات، عموم شیعه و بسیاری از عالمان اهل سنت بر این عقیده‌اند که مهدی موعود علیه السلام از جنبه پدری به امام حسین علیه السلام منسوب می‌باشد؛ بدین ترتیب: ایشان فرزند امام حسن عسکری، ایشان فرزند امام علی نقی، ایشان فرزند امام محمد تقی و ایشان فرزند امام علی بن موسی الرضا، ایشان فرزند امام موسی کاظم، ایشان فرزند امام جعفر صادق، ایشان فرزند امام محمد باقر و ایشان فرزند امام علی بن الحسین علیه السلام می‌باشد. ولی در برخی از روایات که از طریق اهل سنت نقل شده است؛ مهدی موعود علیه السلام از صلب امام حسن مجتبی علیه السلام عنوان گردیده و عده‌ای از عالمان اهل سنت (و شاید قول مشهور) بر این عقیده‌اند که مهدی موعود علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام است.

ابو داود روایت کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام، در حالی که به امام حسن علیه السلام اشاره داشت، فرمود:

ابنی هذا سید كما سماه النبي و سيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبيكم يشبهه في الخلق و لا يشبهه في الخلق يملأ الارض عدلا؛ این فرزندم [=حسن] علیه السلام سید [=آقا و بزرگ] است؛ همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله او را این‌گونه وصف کرده است و از صلب او مردی به دنیا خواهد آمد که همنام پیامبرتان است. در اخلاق همانند او است؛ ولی در خلقت همانند او نیست؛ زمین را پر از عدل می‌کند (ابی داود، ۱۴۱۸: ج ۸، ص ۳۰۶، ح ۴۲۹۰).

ابن حجر مکی به این روایت استناد کرده و روایت دال بر این نکته که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است را، بی اساس شمرده و مبنای این ادعا را که مهدی موعود از نسل امام حسن علیه السلام است، این مقوله دانسته است که آن حضرت از روی



شفقت بر امت اسلامی و برای رضای خداوند خلافت را رها کرد و بدین جهت، خداوند قیام کننده به خلافت حقه را در زمانی که بدان نیاز شدید می‌باشد؛ از فرزندان او قرار داد تا زمین را پر از عدل سازد. وی با تکیه بر این روایت، عقیده شیعه امامیه که مهدی موعود علیه السلام را دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام دانسته‌اند، نادرست شمرده و افزوده است روایت صحیحی که گویای این نکته باشد که نام پدر مهدی، موافق نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله است نیز، با دیدگاه شیعه ناسازگار است؛ زیرا نام پدر مهدی (حضرت ولی عصر علیه السلام) با نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله هماهنگ نیست (هیتمی المکی، ۱۴۲۵: ص ۲۰۸).

در نقد سخن ابن حجر مکی نکاتی قابل ذکر است:

۱. سند روایت ابی داود دارای اشکال است؛ زیرا وی گفته است: «حَدَّثت عن هارون بن المغيرة»؛ از هارون بن مغیره به من گزارش شده است^۱ و در واقع معلوم نیست که گزارش کننده چه کسی است.

۲. جزری شافعی در کتاب اُسمى المناقب این حدیث را از ابو داود نقل کرده و در آن، به جای «حسن»، «حسین» آمده است.^۲ بنابراین، احتمال «تصحیف» در نقل روایت ابو داود، بعید نیست.

۳. بر فرض این که سند روایت دال بر این که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است (که در منابع اهل سنت نقل شده است)؛ ناتمام باشد؛ این، دلیل بر نادرستی عقیده شیعه نخواهد بود؛ زیرا روایات شیعه در این خصوص صحیح و متواتر است.

۴. بسیاری از عالمان اهل سنت در این باره با شیعه هم رأی می‌باشند؛ چنان که ابو نعیم اصفهانی (م/۴۳۰هـ) در کتاب «چهل حدیث درباره مهدی علیه السلام» گفته است:

الحديث السادس في أنّ المهدي هو الحسيني؛ حدیث ششم درباره این است که مهدی حسینی است. وی سپس حدیث حذیفه را نقل کرده که گفته است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما خطبه‌ای ایراد کرد و سپس فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز

۱. روایت چنین است: «قال ابو داود: حَدَّثت عن هارون بن المغيرة قال: حدثنا عمرو بن أبي قيس، عن شبيب بن خالد، عن أبي اسحاق، قال: قال علي رضي الله عنه - و نظر الى ابنة الحسن...».

۲. اُسمى المناقب فی تهذیب اُسنی المطالب، بی تا: ص ۱۶۵-۱۶۸ و مصلح جهانی و مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، ۱۳۸۶: ص ۶۲، به نقل از المهدي المنتظر فی الفكر الإسلامي.

باقی نماند؛ خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از فرزندان مرا که همنام من است، برگزیند. سلمان گفت: ای رسول خدا! از کدامیک از فرزندان تو می‌باشد؟ پیامبر ﷺ دست حسین را گرفت و فرمود: از این فرزندم می‌باشد (حافظ ابو نعیم الاصفهانی، ۱۴۳۲: ص ۴۸).

حافظ ابو عبدالله کنجی شافعی (م/۶۵۸هـ) نیز باب نهم کتاب خود البیان فی اخبار صاحب الزمان را به این مطلب اختصاص داده و گفته است:

الباب التاسع فی تصریح النبی ﷺ بأن المهدي ﷺ من ولد الحسين ﷺ؛ باب نهم درباره تصریح پیامبر ﷺ است به این که مهدی ﷺ از فرزندان حسین ﷺ است. وی سپس با سند از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر اکرم ﷺ بیمار شده بود، فاطمه زهرا ﷺ به عیادت او آمد، در حالی که من در جانب راست پیامبر نشسته بودم. وقتی فاطمه ﷺ پیامبر ﷺ را در حال ضعف دید، گریان شد. پیامبر ﷺ فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ آیا نمی‌دانی که خدا به زمین نظر کرد و پدرت را به پیامبری برگزید؛ سپس به زمین نظر کرد و همسرت را انتخاب کرد و به من وحی کرد؛ پس من تو را به همسری او درآوردم و او را وصی خود قرار دادم؟! آیا نمی‌دانی که پدرت در پرتو کرامت الاهی داناترین و حلیم‌ترین و پیشتازترین آنان در اسلام را همسر تو قرار داد؟! فاطمه خندان و شادمان شد ابو سعید سپس مطالب دیگری را که پیامبر اکرم ﷺ درباره فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت بیان کرده، نقل کرده است؛ در پایان آن حدیث چنین آمده است: و منا مهدی الأمة الذی یصلی عیسی خلفه ثم ضرب علی منكب الحسين ﷺ قال: من هذا مهدی الأمة. حافظ کنجی گفته است: دارقطنی صاحب جرح و تعدیل حدیث را این‌گونه روایت کرده است (کنجی الشافعی، ۱۳۳۹: ص ۱۱۹-۱۲۰).

محب الدین طبری (م/۶۹۴هـ) نیز روایت حذیفة بن یمان را که پیش از این از ابونعیم نقل کردیم، بازگفته و افزوده است:

فیحمل ما ورد مطلقاً فیما تقدم علی هذا المقید؛ آنچه قبلاً به صورت مطلق [درباره این که مهدی ﷺ از فرزندان فاطمه ﷺ است] نقل کردیم؛ بر این مآید حمل می‌شود (طبری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۰۷)؛

یعنی مهدی از فرزندان حسین ﷺ است.



بسیاری از عالمان اهل سنت در این باره که حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و در پس پرده غیبت به سر می‌برد و او همان مهدی موعود علیه السلام است که در آینده به اذن خداوند متعال ظهور و قیام می‌کند و جهان را آکنده از عدل و داد خواهد کرد؛ هماهنگ می‌باشند.^۱ بنابراین، آنان مهدی موعود علیه السلام را از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌دانند.

نام پدر

بر اساس آنچه بیان گردید، نام پدر مهدی موعود علیه السلام، «حسن» است. اما در شماری از روایات منقول از طریق اهل سنت؛^۲ آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی مهدی موعود علیه السلام فرموده است:

اسمه اسمی و اسم ابيه اسم أبي؛ نام او همانند نام من و نام پدر او همانند نام پدر من می‌باشد.

در ارزیابی این روایات نکاتی چند قابل طرح است:

۱. در اکثر روایات، عبارت «و اسم ابيه اسم أبي» نیامده است. ابو داود این حدیث را از پنج طریق روایت کرده و در سه طریق آن، عبارت مزبور وجود ندارد و فقط عبارت «اسمه اسمی» (ابی داود، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۳۰۶، ح ۴۲۸۲)، آمده است. ترمذی نیز این حدیث را از عبدالله بن مسعود، علی بن ابی طالب علیه السلام، ابی سعید خدری، ام سلمه و ابی هریره روایت کرده و در آن عبارت «اسم ابيه اسم أبي» نیامده است (الترمذی، ۱۴۲۱: ص ۶۱۱ و ابن المنادی، بی تا: ص ۲۳۰ و ۲۳۱). در مسند احمد بن حنبل نیز این حدیث به صورت مکرر نقل شده و در هیچ یک از آن‌ها جمله «اسم ابيه اسم

۱. در کتاب أصالة المهدي في الإسلام، ۱۴۲۰: ص ۸۱-۱۰۱، نام ۱۱۲ نفر از عالمان اهل سنت (از قرن چهارم تا قرن چهاردهم) در این باره نقل شده؛ سپس افزوده شده است که ثامر عمیدی در کتاب «الدفاع عن الكافي» چهارده عالم دیگر از اهل سنت را نیز در این باره نقل کرده، در نتیجه شمار آنان ۱۲۶ عالم می‌باشد.

۲. در کتاب، معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۷۹-۱۹۳. در این باره پنج روایت نقل شده است.

أبی» ذکر نشده است.^۱

حافظ ابو عبد الله کنجی شافعی در این باره گفته است:

ترمذی حدیث را نهل کرده و عبارت «اسم ایبه اسم أبی» را نیاورده، و ابو داود آن را نیاورده است و در معظم روایات حفاظ و ثقات از ناقلان اخبار، فإط عبارت «اسمه اسمی» آمده است.

امام احمد، با توجه به ضبط و اتفانی که در نهل روایات داشته؛ این حدیث را متعدد در مسند خود نهل کرده، و در همه آنها فإط عبارت «اسمه اسمی» آمده است. ابونعیم در مناقب المهدی این حدیث را از تعداد بسیاری که همگی آن را از عاصم بن ابی النجود، از زرّ، از عبدالله بن مسعود، از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده‌اند؛ نهل کرده و در هیچ یک از آنها عبارت «اسم ایبه اسم أبی» نیامده است. آنان عبارتند از: ۱. سفیان بن عیینه، ۲. قطر بن خلیفه، ۳. أعمش، ۴. ابواسحاق سلیمان بن فیروز شیبانی، ۵. حفص بن عمر، ۶. سفیان ثوری، ۷. شعبه، ۸. واسط بن حارث، ۹. ابو شیبه، ۱۰. سلیمان بن قرم، ۱۱. جعفر أحرمر، ۱۲. سلام ابو منذر، ۱۳. ابو شهاب محمد بن قرم، ۱۴. عمر بن عبید طنافسی، ۱۵. ابوبکر بن عیاش، ۱۶. ابوالمجدف داود بن ابی العوف، ۱۷. عثمان بن شیرمه، ۱۸. عبد المطلب بن أبی عیینه، ۱۹. محمد بن عیاش، ۲۰. عمرو بن قیس ملائی، ۲۱. عمار بن زریق، ۲۲. عبدالله بن حکیم بن جبیر اسدی، ۲۳. عمر بن عبدالله بن بشر، ۲۴. ابوالاحوص، ۲۵. سعد بن الحسن بن اخت ثعلبه، ۲۶. معاذ بن هاشم، ۲۷. یوسف بن یونس، ۲۸. غالب بن عثمان، ۲۹. حمزة الزیات، ۳۰. شیبان، ۳۱. حکم بن هاشم.

عمرو بن مرّه نیز این حدیث را از زرّ روایت کرده و هیچ یک از آنان عبارت «اسم ایبه اسم أبی» را نیاورده است؛ مگر عبیدالله بن موسی که آن را از زائده و او از عاصم روایت کرده که در نهل او عبارت «اسم ایبه اسم أبی» آمده است و حافظ ابو الحسن، محمد حسین بن ابراهیم بن عاصم آبری در کتاب مناقب الشافعی حدیث مربوط به

۱. المسند، احمد بن حنبل، شرح احمد محمد شاکر، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۴۹۱، حدیث ۳۵۷۱؛ ص ۴۹۳-۴۹۴، حدیث ۳۵۷۲ و ۳۵۷۳؛ ج ۴، ص ۱۴۲، حدیث ۴۰۹۸ و ۲۰۲، حدیث ۴۲۷۹.

قیام مهدی موعود علیه السلام را با افزوده «اسم ایبه اسم ابی» نزل کرده است.^۱ فرد خردمند در این که این افزوده در م[اب]ل اجتماع این امامان [حدیث برخلاف آن، اعتباری ندارد؛ تردید نمی‌کند (کنجی شافعی، ۱۳۳۹: ص ۹۳-۹۶).

احتمال این که این گروه از محدثان، از نقل جمله مزبور غفلت کرده‌اند، معقول نیست؛ چنان که این احتمال که به دلیل مهم نبودن آن، آگاهانه از نقل آن صرف نظر کرده باشند، نیز، مردود است؛ چرا که بدون شک، جمله مزبور بار معنایی ویژه‌ای داشته و در نسب شناسی مهدی موعود علیه السلام نقش مهمی دارد.

۲. این احتمال بعید نیست که عبارت «و اسم ایبه اسم ابی» برای مشروع جلوه دادن قیام محمد بن عبدالله بن حسن، ملقب به «نفس زکیه» یا حکومت محمد بن عبدالله، فرزند منصور عباسی که ملقب به «مهدی» بود، جعل شده باشد. برخی از مورخان، مانند مؤلف «الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الإسلامیة» گفته است:

عبدالله محض این ع[ب]یده را برای طوایفی از مردم ال[ه]ا می‌کرد که فرزندش، محمد همان مهدی موعود است و او این عبارت «و اسم ایبه اسم ابی» را روایت می‌کرد (صافی گلیپاگانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۲۰۴ و مروزی العلوی، بی تا: ص ۱۶۵-۱۶۶).

۳. روایت مزبور با روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت درباره این که نام پدر مهدی موعود علیه السلام «حسن» است؛ منافات دارد.

توجیحات و تأویلات

از سوی برخی از صاحب نظران، برای جمله «و اسم ایبه اسم ابی» توجیحات و تأویلاتی به شرح ذیل بیان شده که اگر پذیرفته شود؛ بر فرض صحت، با روایات دیگر سازگار خواهد بود:

۱. مقصود از کلمه «أب»، جدّ است؛ زیرا اطلاق لفظ «أب» بر جدّ در زبان عرب شایع است و در قرآن کریم نیز به کار رفته است مانند آیه ﴿وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ

۱. و زاد زائدة فی روایتہ: «لولم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث الله رجلاً منی او من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی و اسم ایبه اسم ابی یملاً الارض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً».

وإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ﴾ (یوسف: ۳۸). همچنین بر «کنیه»، واژه «اسم» اطلاق می‌شود؛ چنان‌که از حضرت علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله او را «ابوتراب» نامیده و هیچ اسمی نزد او، از این واژه محبوب‌تر نبود. بنابراین، مقصود از «اسم ایبه» این است که کنیه جدش، امام حسین علیه السلام (ابو عبدالله) با نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله همانند است (قرشی الشافعی، ۱۴۱۲: ص ۳۱۸-۳۱۹). این وجه، رافع اشکال نیست؛ زیرا ابو عبدالله (کنیه امام حسین علیه السلام) غیر از «عبدالله» است.

۲. کنیه امام حسن عسکری علیه السلام «ابو محمد» است و از طرفی پدر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز «ابو محمد» بوده است. بنابراین، کنیه پدر حضرت ولی عصر علیه السلام با کنیه پدر پیامبر صلی الله علیه و آله همانند می‌باشد، و مقصود از اسم، همان کنیه است؛ زیرا کنیه نیز داخل در اسم می‌باشد.^۱

اشکال این وجه آن است که «ابو محمد» از کنیه‌های پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده است.

۳. عبارت، در اصل «اسمه اسمی و اسم اُبی» بوده است؛ زیرا در برخی از روایات آمده است که یکی از نام‌های مهدی علیه السلام «عبدالله» است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۲۰۵). بنابراین، مفاد حدیث این است که مهدی موعود علیه السلام همانام پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر ایشان می‌باشد؛ ولی چون راوی به این مطلب توجه نداشته است؛ حدیث برایش نامفهوم بوده و برای آن‌که قابل فهم باشد، لفظ «و اسم ایبه» را به آن افزوده است (همان).

این وجه با وجه بعدی، صرف احتمال است و هیچ شاهد و مؤیدی ندارد؛ ولی اشکال تعارض را حل می‌کند.

۴. محتمل است عبارت، در اصل «و اسم ابنه اسم اُبی» بوده باشد؛ زیرا از روایات به دست می‌آید که یکی از فرزندان مهدی موعود علیه السلام، «عبدالله» نام دارد و از جمله کنیه‌های او «ابوعبدالله» است؛ ولی لفظ «ابنه» به «ایبه» تغییر یافته است (همان).

۵. امام عسکری علیه السلام دو نام داشته است: «حسن» و «عبدالله». این مطلب را نوری

۱. بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۱۰۱. این وجه را علامه مجلسی از بعضی از معاصران خود نقل کرده است و میرزا حسین طبرسی نوری نیز آن را در التجم الثاقب، ۱۳۷۷: ص ۲۱۳ برگزیده است.

طبرسی مؤلف کفایة الموحدين و شهاب الدين دولت آبادی در کتاب هداية السعداء از علمای اهل سنت نقل کرده‌اند. بر این اساس، عبارت «و إسم أبيه إسم أبي» با هیچ مشکلی مواجه نخواهد بود.^۱

اگر نقل مزبور، پذیرفته شود، این وجه بر همه وجوه، یاد شده برتری دارد.

نتیجه گیری

۱. بر اساس روایات بسیاری منقول از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام فرزند بلافصل امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام و همنام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. از ناحیه پدر به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و از ناحیه جدش فاطمه بنت الحسن، به امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام منتسب می‌باشد. لذا او فاطمی و علوی و از عترت و اهل بیت خاص رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.
۲. در پاره‌ای از روایات اهل سنت امام بعنوان مردی از نسل عباس بن عبدالمطلب یاد شده است. این روایات از نظر سند دارای ضعف و با روایات دیگر که امام را از نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانند در تعارض است. علاوه بر آن برخی علمای اهل سنت روایات از نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را صحیح تر می‌دانند. با چشم پوشی از ضعف سندی می‌توان توجیهاات دیگری طرح کرد؛ مانند این که مراد از مهدی در این روایات مهدی عباسی باشد که روایات در رابطه با این خلیفه جعل شده باشد.
۳. در برخی از روایات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را از صلب امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام دانسته‌اند که این روایات علاوه بر ضعف سند مورد قبول اهل سنت نیز نمی‌باشد و در میان منابع آنان به فرزندی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اشاره شده است.
۴. روایات اسم ابیه اسم ابی در اکثر منابع اهل سنت نیامده و تنها به عبارت اسمه اسمی بسنده شده است. توجیهااتی در متن مقاله در باره این بحث آورده شده است.

۱. به نقل از فاضل متتبع، ملا محمد رضا امامی در «جنات الخلود».

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن المنادی، احمد بن جعفر (بی تا). الملاحم و الفتن، قم، نسخه مخطوطة فی مكتبة مسجد الاعظم.
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا). سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۳. ابی داود، سلیمان بن الأشعث (۱۴۱۸ق). سنن ابی داود، بیروت، دار ابن حزم.
۴. احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق). المسند، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحدیث.
۵. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۱ق). الجامع الصحیح سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۶. الجزری الشافعی، محمد بن محمد (بی تا). اسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب، اصفهان، مكتبة الامام امیرالمومنین علیه السلام.
۷. جعفری، جواد (۱۳۸۹). دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات، قم، مؤسسه آینده روشن.
۸. جوینی الخراسانی، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۸ق). فرائد السمطین، قم، دارالحیب.
۹. حافظ ابو نعیم الاصفهانی (۱۴۳۲ق). الأربعون حدیثا فی امر المهدي علیه السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت.
۱۰. حاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۲ق). المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۶). مصلح جهانی و مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، قم، بوستان کتاب.
۱۲. خطیب البغدادی، احمد بن علی (بی تا). تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دار الفکر.
۱۴. سفارینی، محمد بن احمد بن سالم (بی تا). لوائح الانوار البهیة، مصر، مجله المنار.
۱۵. سیوطی، جلال الدین (بی تا). اللئالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعه، بیروت، دار المعرفه.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (بی تا). جامع الاحادیث، دمشق، مطبعه محمد هاشم الکتبی.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الکبیر، بغداد، الدار العربیه.
۱۹. طبرسی نوری، میرزا حسین (۱۳۷۷). النجم الثاقب، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲۰. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله (۱۴۲۸ق). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قم، مؤسسه دارالکتب الاسلامی.



٢١. غمارى المغربى، احمد بن محمد بن الصديق (١٣٨٠ق). *ابرار الوهم المكنون من كلام ابن خلدون*، دمشق، مطبعة الترقى.
٢٢. فقيه ايمانى، مهدي (١٤٢٠ق). *اصالة المهدوية فى الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه.
٢٣. قرشى الشافعى، محمد بن طلحه (١٤١٢ق). *مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول ﷺ*، بيروت، دارالبلاغه.
٢٤. قنوجى البخارى، محمد صديق حسن (١٣٠٧ق). *الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة*، بيروت، دار الكتب العلميه.
٢٥. كنجى الشافعى، محمد بن يوسف (١٣٣٩ق). *البيان فى اخبار صاحب الزمان ﷺ*، قم، مؤسسه الهادى.
٢٦. مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق). *بحار الانوار*، تحقيق: جمعى از محققان، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٧. مروزى العلوى، اسماعيل بن حسين (بى تا). *الفخرى فى انساب الطالبين*، تحقيق: سيدمهدي رجائى، مكتبة آية الله مرعشى نجفى العامه، قم.
٢٨. مناوى، عبدالرئوف (١٤١٦ق). *فيض التقدير فى شرح الجامع الصغير*، بيروت، دارالفكر.
٢٩. الهيئه العلميه فى مؤسسه المعارف الاسلاميه (١٤٢٨ق). *معجم احاديث الامام المهدي ﷺ*، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم.
٣٠. هيتمى المكى، ابن حجر (١٤٢٥ق). *الصواعق المحرقه*، بيروت، المكتبة العصريه.

دراسة و نقد نسب الإمام المهدي عليه السلام من منظار أهل السنة

على الريانى الكلبايكاني^١

من الملاحظ فقد وردت في الروايات الإسلامية شخصية المهدي الموعود عليه السلام وملاحظتها العريضة والذي يصب في صميم العقائد الحتمية والمسلمة بها عند عامة المذاهب الإسلامية بشكل دقيق وواضح ولا يكتنفه اللبس والجدل . فهو رجل من عترة وأهل النبي الأكرم عليه السلام إسمه إسم النبي وعلوي وفاطمي وحسيني وإسم أبيه هو " الحسن " . ومع هذا فقد عنونت بعض الروايات الواردة بإن الإمام المهدي الموعود عليه السلام هو من سلالة ونسل بني العباس ومن نسل عم النبي الأكرم عليه السلام ومن صلب الإمام الحسن المجتبي عليه السلام وإسم أبيه هو " عبد الله " وأستطاعت هذه الدراسة وبعد البحث والدقة في الروايات الواردة وإعمال الأسلوب الوصفي - التحليلي من الوصول الى نتيجة مفادها بأنه لا يمكن بحال من الأحوال الأستناد والإعتماد على تلك الروايات لعدم ملائمتها وتقاطعها مع الروايات المعتبرة والمتواترة وكذلك لوجود الضعف في سندها وفي نفس الوقت فقد تم بيان بعض التأويلات والتوجيهات لها ومع فرض صحة تلك التوجيهات فإنها تبقى هذه الروايات لا تنسجم بحال مع سائر الروايات الاخرى .

المصطلحات المحورية: معرفة النسل ، النسل العلوي ، النسل العباسي ، إسمه إسمي ، إسم أبيه إسم أبي .



١. إستاذ في الحوزة العلمية في مدينة قم المقدسة.